

تأملاتی بر لایحه داورى تجارى بين المللى «۵»

■ شناسایی و اجرای آرای داورى

منصور جعفریان

پیش نوشتار

در قسمتهای پیشین به بررسی توافقی داورى، داوران، قانون ماهوى حاکم، اصلاح و تفسیر رأی داورى و تجدید نظر از رأی داورى پرداخته شد و مفاد لایحه داورى تجارى بين المللى در مقایسه با متن قانون نمونه داورى «آنسترال» و برخی دیگر از مقررات داورى تجارى بين المللى مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت به بحث درباره شناسایی و اجرای آرای داورى مى پردازیم و پس از نتیجه گیری، پیشنهادهاى اصلاحی متن لایحه داورى تجارى بين المللى ارائه مى گردد.

بخش اول: شناسایی آرای داورى

داورى، نهادى تخصصى است و رأی داورى برای آنکه در ایران قابلیت اجرا بیابد لازم است شرایطى را که نظام حقوقى ایران تعیین کرده است، دارا باشد، در غیر این صورت امکان استفاده از قدرت قانون برای اجرای آن وجود نخواهد داشت. منظور از «شناسایی آرای داورى» به رسمیت شناختن رأی داورى توسط نظام حقوقى کشور محل اجرای رأی مى باشد. در حقیقت شناسایی، مقدمه اجرای رأی است. دو فایده عمده بر شناسایی رأی داورى مترتب است اولاً شناسایی به معنای آن است که رأی داور از

اعتباری مشابه آرای دادگاههای کشوری که درخواست اجرای رأی در آن شده است برخوردار می‌باشد و مزیت دیگر شناسایی عبارت است از خنثی کردن تلاش محکوم علیه رأی داوری برای صدور حکم مخالف مفاد رأی داوری از دادگاههای کشوری که رأی داوری باید در آنجا اجرا شود.^(۱)

آرای داوری را به دو گروه آرای داخلی و آرای داوری خارجی تفکیک می‌کنند. فایده عملی تفکیک این دو دسته آرای داوری درباره چگونگی شناسایی و اجرای آرای مسزبور می‌باشد. برای اجرای آرای داوری داخلی باید مطابق ماده ۶۶۲ آیین دادرسی مدنی از دادگاه تقاضای صدور اجراییه شود و اصولاً آرای داوری داخلی نیازمند شناسایی نیست. اما آرای داوری خارجی یقیناً باید توسط دادگاه صالح ایرانی شناسایی شود. لازم به ذکر است که نص صریح قانونی در مورد چگونگی شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی وجود ندارد. «به فوریت این نکته را می‌توان تشخیص داد که تمایز بین احکام داخلی و خارجی چه در زمینه تقاضای ابطال رأی و چه در زمینه اجرای روشهای اجرا و موانع اجرای اجباری احکام از اهمیت عملی برخوردار است»^(۲) با این توضیح به تعریف آرای داوری داخلی و خارجی می‌پردازیم.

بند یک- تعریف آرای داوری داخلی و خارجی

داوری داخلی را چنین تعریف کرده‌اند: «داوری داخلی به معنای اخص عبارت از داوری است که کلیه عوامل متشکله آن از قبیل ماهیت داوری، تابعیت اصحاب دعوی و داوران، قانون قابل اجرا و محل اجرای رأی به یک قلمرو سیاسی به خصوص مربوط بوده باشد. مثلاً وقتی که موضوع داوری حل اختلاف بین دو نفر اتباع ایران نسبت به دعوی که موضوع آن در ایران است بوده، به وسیله داوران ایرانی و با رعایت قانون ایران مورد رسیدگی واقع شده باشد چنین رأی، داوری ایرانی به معنای اخص کلمه محسوب می‌شود. ولی به نظر می‌رسد که این تعریف کافی نمی‌باشد چه صرفاً فقدان یکی از عوامل فوق به داوری، عنوان خارجی اعطا نمی‌نماید.»^(۳)

در تعریف رأی داوری خارجی گفته شده است رأی است که «در قلمرو یک کشور خارجی صادر شده و بنا به توافق اصحاب دعوی جایگزین حکم محکمه خارجی گردیده و به وسیله یک مرجع قضایی صلاحیتدار خارجی دستور اجرای آن صادر شده باشد.»^(۴)

لکن چنانچه مورد اختلاف واجد برخی عناصر داخلی و خارجی باشد به چه طریق می‌توان تعیین نمود که رأی داوری داخلی است یا خارجی؟ و اگر رأی خارجی

1- Sammartano, M.R.: International Arbitration Law, kluwer, 1990. P.484

۲- لالیو، پی. بر: «اجرای احکام داوری بین‌المللی»، ترجمه سوسن خطاطان، مجله حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، ص ۳۲۰.

۳- دکتر مرتضی نصیری: «اجرای آرای داوران خارجی»، بی. تا، بی. تا، ص ۲۱.

۴- همان مأخذ، ص ۲۴.

است به کدام کشور مربوط می‌شود؟ متأسفانه در حقوق ایران، ملاکی به منظور تعیین تابعیت رأی داور مشخص نگردیده است. منظور از تابعیت رأی داور، با تسامح تعیین کشوری است که رأی داور به آن کشور مربوط می‌باشد.^(۱) لذا با تمسک به معیارهای موجود در کشورهای دیگر و نظر حقوقدانان، به بررسی ملاکهای تعیین تابعیت رأی داور می‌پردازیم.

بند دو- ملاکهای تعیین تابعیت رأی داور
برخی نظامهای حقوقی مطابق نظری که در گذشته به طور گسترده مورد قبول قرار گرفته بود، معتقدند داوری داخلی و خارجی از یکدیگر قابل تمیز نیستند. از آنجا که داوری نتیجه قرارداد بین طرفین است و نه نهادی عمومی، از این رو رأی داور به یک کشور خاص ارتباط ندارد و در نتیجه تابعیت نیز ندارد.^(۲) در نتیجه این گروه رأی داور را مرتبط با قرارداد رجوع به داوری تلقی کرده (نظریه قراردادی) و در نتیجه قانون حاکم بر قرارداد مزبور را ملاک تعیین تابعیت رأی داور می‌دانند و در مواردی که این ضابطه کافی نباشد رأی را وابسته به محل صدور آن فرض می‌کنند.^(۳)

حقوقدانان فرانسوی بیشتر به رد نظریه فوق تمایل دارند و داوری را نیز نوعی اقامه دعوی به شمار می‌آورند. به نظر نیوایه رأی داور را نباید با قرارداد داوری اشتباه کرد، بلکه پس از اینکه اصحاب دعوی به موجب قرارداد، مورد اختلاف را به داور ارجاع

کردند داور مزبور، جانشین قاضی شده و مستقلاً و بدون توجه به اراده اصحاب دعوی رأی صادر می‌کند. از این استدلال این نتیجه اتخاذ می‌شود که رأی داور نیز مانند حکم دادگاه، وابسته به کشور محل صدور آن می‌باشد. به خصوص که اصولاً رأی داور تا قبل از اینکه دستور اجرای آن از طرف مقام قضایی صادر شده باشد فاقد جنبه اجرایی خواهد بود و بنابراین رأی داور خارجی وابسته به کشوری است که دستور اجرا را صادر کرده است (نظریه قضایی)^(۴).

نظریه قضایی و نظریه قراردادی بودن رأی، هر یک، متضمن قسمتی از حقیقت می‌باشند و هیچیک از دو نظریه مزبور را نمی‌توان به طور اطلاق پذیرفت. واقعیت این است که علمای حقوق فرض قضایی یا قراردادی بودن رأی، را با توجه به نتیجه‌ای که از جهت منطق حقوقی می‌توان بر آن مترتب دانست مورد توجه قرار می‌دهند. مثلاً فرض قضایی بودن رأی داور از جهت تعیین وابستگی و تابعیت رأی داور خارجی بیشتر می‌تواند مفید فایده واقع شود زیرا در این صورت به سهولت می‌توان نتیجه گرفت که رأی داور وابسته به کشور محل صدور آن است.

حال آنکه هرگاه بخواهیم در مورد تعیین

1- Sammartano, M.R: Op.Cit., PP.15-24

2- Sammartano, M.R: Op.Cit., P.15

۳- نصیری، دکتر مرتضی، همان مأخذ، صفحات ۲۱ و ۲۲.

۴- همان مأخذ: ص ۲۲.

به صرف صدور رأی در ایران می‌توان این رأی را، رأی داخلی به شمار آورد؟ بدیهی است پذیرش این نظر دشوار است و لازم است ملاکهای دیگری را نیز در نظر گرفت. در اینجا مناسب است راه‌حلهای برخی از کشورها را ملاحظه نماییم:

در اتریش مطابق بند ۱۶ ماده ۱ و ماده ۷۹ قانون اجرای احکام، تابعیت رأی داوری متناسب با محلی است که رأی داوری در آنجا صادر شده است. در نتیجه رأیی که خارج از اتریش صادر شده باشد، رأی خارجی محسوب خواهد شد. این نظر در لیبی، هلند، مصر و برخی کشورهای دیگر پذیرفته شده است.^(۲)

در برخی از کشورهای دیگر از جمله یونان و لبنان، تابعیت رأی، بستگی به قانون حاکم بر آیین دادرسی داوری دارد.^(۳) همچنین ممکن است هر دو معیار فوق مجتمعاً ملاک واقع شوند. برای مثال در یوگسلاوی سابق مطابق ماده ۹۷ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی مصوب ۱۹۸۲ تابعیت رأی داوری، بستگی به دو عامل داشت که عبارت بودند از: (۱) محل صدور رأی و (۲) قانون حاکم بر دادرسی دعوی.

چنانچه رأی در یوگسلاوی صادر نشده باشد یا آنکه قانون حاکم بر دادرسی، قانون یوگسلاوی نباشد رأی داخلی یوگسلاوی محسوب نمی‌شود. در صورت اخیر رأی مزبور تابعیت کشوری را دارد که قانون آن بر

وابستگی رأی از نظر قراردادی استفاده کنیم با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهیم شد که در بعضی از موارد خروج از آن مشکلات به آسانی میسر نیست؛ زیرا در آن صورت باید بین عوامل مختلف حل تعارض از قبیل ضابطه محل انعقاد قرارداد داوری، محل اجرای رأی داوری، تابعیت متعاقدین و محل رسیدگی داوران یکی را انتخاب کرد. این انتخاب صرفنظر از اینکه از جهت حقوق بین‌الملل خصوصی کار ساده‌ای نیست، در هر مورد خود مستلزم طرح مشکلات تازه‌ای است. مثلاً فرض کنیم که بخواهیم ضابطه محل انعقاد قرارداد را مورد توجه قرار دهیم در این صورت باید دید محل انعقاد یک قرارداد داوری تجاری بین‌المللی که با مکاتبه منعقد شده است چه کشوری می‌باشد؟

بنابراین با توجه به فوائد عملی در مورد تعیین وابستگی رأی داوری از نظریه قضایی، تبعیت از نظریه مزبور، موجه جلوه می‌کند ولی از جهت مسأله اجرای رأی در بسیاری از کشورها و از جمله فرانسه از نظریه قراردادی بودن رأی بیشتر استفاده شده است.^(۱)

اما مشکل کماکان به قوت خود باقی است زیرا اگر اختلاف بین یک نفر آمریکایی و یک نفر آلمانی در مورد کارخانه‌ای که در اسپانیا واقع است و داور آن یک نفر تبعه ترکیه می‌باشد و قرارداد ارجاع اختلاف به داور در انگلستان منعقد شده باشد و داور رأی خود را بر اساس قانون سوئیس در ایران صادر کرده باشد، آیا

۱- نسیری، دکتر مرتضی: همان مأخذ، ص ۲۶.

2- Sarevic, Petar: "Essays on International Commercial Arbitration", 1990, P.178

3- Ibid., P.178

دادرسی دعوی حاکم است.^(۱) بدیهی است چنانچه قانون حاکم بر دعوی، از قوانین بین‌المللی تعیین گردد که وابسته به یک کشور خاص نمی‌باشد - مانند قانون نمونه داورى آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ - حقوق یوگسلاوی سابق صرفاً می‌توانست تعیین نماید که رأی صادره خارجی است لکن نمی‌توانست تابعیت رأی را مشخص نماید. معیار جدید دیگری در مجارستان به‌کارگرفته شد که عبارت است از محل برگزاری جلسات داورى و تابعیت داوران. لذا از نظر حقوق مجارستان رأیی که در مجارستان صادر می‌شود لکن محل انجام جلسات دادرسی در خارج از مجارستان می‌باشد و اکثریت داوران نیز تبعه کشوری غیر از مجارستان باشند، رأی خارجی محسوب می‌شود.^(۲) روشن است این روش نیز صرفاً آرای داخلی را از نظر مجارستان تعیین می‌نماید و نمی‌تواند مشخص سازد که رأی داورى خارجی مربوط به کدام کشور است. در سوئد رأی داورى زمانی خارجی محسوب می‌شود که داورى در کشور دیگری انجام شده باشد یا اگر داورى در سوئد انجام شده باشد یکی از طرفین اختلاف سوئدی نباشد.^(۳)

در انگلستان مطابق قانون داورى ۱۹۷۹، داورى را زمانی داخلی محسوب می‌کنند که در انگلستان انجام شود و طرفین اختلاف در زمان انعقاد توافقنامه داورى شهروند

انگلستان باشند.^(۴)

دیوان عالی ترکیه در رأی سال ۱۹۵۱ خود، تابعیت رأی داورى را منتسب به کشوری دانست که قانون ماهوی حاکم بر دعوی، قانون ماهوی آن کشور باشد.^(۵)

شایان ذکر است که ممکن است یک رأی داورى بنا به قواعد کشورهای مختلف واجد چندین تابعیت باشد یا آنکه اصولاً تحت تابعیت هیچ کشوری قرار نگیرد. موازین و معیارهایی که برای تعیین تابعیت رأی داورى بر شمرده شده است عبارتند از: - محل انعقاد قرارداد داورى (نظریه قراردادی)

- محل صدور رأی (نظریه قراردادی)^(۶)

- محل صدور دستور اجرای رأی (نظریه قضایی)

- تابعیت کشوری که قانون آن بر دادرسی حاکم است.^(۷)

- تابعیت کشوری که قانون آن بر ماهیت دعوی حاکم است.

- راه‌حل ترکیبی (تابعیت کشور محل برگزاری جلسات داورى و تابعیت داوران)

- راه‌حل ترکیبی (تابعیت محل صدور رأی و تابعیت کشوری که قانون آن بر

1- Ibid. PP. 178-179

2- Ibid. P.179

3- Sammartano, M.R.: Op.Cit. P.15

4- Ibid. P.15

5- Sarcevic, P.: Op.Cit. P.179

۶- که اصطلاحاً به آن معیار جغرافیایی نیز گفته می‌شود. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

Sammartano, M.R.: Op.Cit. P.17

7- sammartano, M.R.: Op.Cit. PP.17.18

دادرسی حاکم است.)

در حقیقت آنچه که بر دعوی و رأی صادره تأثیر مستقیم دارد قانون ماهوی و قانون شکلی (دادرسی) حاکم بر دعوی است چرا که این دو، حقوقی را که برای طرفین دعوی وجود دارد و همچنین شرایط چگونگی رسیدگی به دعوی را تعیین می‌نمایند. دیگر ملاکها هیچ کدام تا این حد بر رأی صادره تأثیر ندارند. با وجود این به نظر می‌رسد که در لایحه داور، نیازی به تعیین معیار به منظور تشخیص آرای داور خارجی نیست؛ زیرا لایحه مزبور صرفاً ناظر بر آرای بین‌المللی است. درباره چگونگی شناسایی آرای داور خارجی در قسمتهای بعدی توضیح لازم داده شده است.^(۱) با توجه به شرایط ایران پیشنهاد می‌شود شناسایی و اجرای آرای داور خارجی، براساس کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک انجام شود.

بند سه - آرای داور بین‌المللی

بند ۲ ماده ۲ لایحه داور تجاری بین‌المللی:

«۲- داور در صورتی بین‌المللی است که احراز طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داور به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.»

بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه داور آنسیتال:

«داوری در صورتی بین‌المللی است که: الف) مرکز فعالیت طرفین موافقتنامه داور در زمان انعقاد قرارداد مذکور در کشورهای مختلف باشد، یا

ب) یکی از محل‌های زیر خارج از کشوری باشد که مرکز فعالیت طرفین در آن کشور واقع است:

۱- محل داور در صورتی که موافقتنامه داور به آن تصریح کرده یا به موجب آن تعیین شده باشد،

۲- هر محلی که قسمت اساسی تعهدات ناشی از روابط تجاری باید در آن محل اجرا شود یا محلی که موضوع اصلی اختلاف نزدیکترین ارتباط را با آن محل دارد، یا

۱- طرفین به صراحت توافق کرده باشند که موضوع اصلی موافقتنامه داور به بیش از یک کشور ارتباط دارد.»

علاوه بر آرای داور خارجی و داخلی شاهد وجود پاره‌ای آرای داور هستیم که داخل در هیچیک از دو دسته آرای مزبور نیست.

برای مثال داورایی که از کنوانسیون بین‌المللی ناشی می‌شود نه داور داخلی محسوب می‌شود و نه خارجی. از آن جمله می‌توان داور ناشی از کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع کشورهای دیگر (کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن) یا داور ناشی از بیانیه‌های الجزایر که منجر به صدور آرای دیوان داور ایران و ایالات متحد آمریکا گردید، را نام برد.^(۲) همچنین قوانین داخلی برخی کشورها، گروهی آرای داور را به

۱- به بند یک بخش دوم این فصل رجوع شود.

۲- برای توضیح بیشتر درباره موارد مختلف داور بین‌المللی رجوع شود به:

- Sammartano, M.R.: Op. Cit. PP.19-24

حقوق

حقوق بین‌المللی خصوصی سوئیس برای تعیین قلمرو قانون مزبور در زمینه داورى تنها دو معیار را در نظر گرفته است:

- محل مرجع داورى در سوئیس باشد و
- اقامتگاه^(۲) یا محل سکونت دائم^(۳) یا محل تجارت^(۴) یکی از طرفین توافقنامه داورى در زمان انعقاد آن در خارج از سوئیس باشد.^(۵) اگر هر دو معیار تحقق یابد داورى مشمول مقررات داورى قانون حقوق بین‌المللی خصوصی سوئیس خواهد بود.

علت محدود کردن معیار تعیین بین‌المللی بودن داورى به تابعیت طرفین اختلاف، در لایحه داورى تجارى بین‌المللی ناشی از عوامل ذیل است که:

اولاً مطابق قوانین ایران، احوال شخصیه اشخاص تابع قانون دولت متبوع آنان است و به اقامتگاه اشخاص به عنوان معیارى که ارتباط و تجانس فرد را با فرهنگ و قوانین کشورى خاص بیشتر نشان می‌دهد - عنایتی نشده است. چه بسا ممکن است شخصی

عنوان آرای بین‌المللی تعریف کرده‌اند.^(۱) در بند دو ماده ۲ لایحه داورى تجارى بین‌المللی، داورى بین‌المللی تعریف شده است. مطابق ماده مزبور «داورى در صورتی بین‌المللی است که احد از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داورى به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد».

در این تعریف تنها معیار تعیین داورى بین‌المللی، تابعیت طرفین دعوى است. تعریف داورى بین‌المللی ملهم از بند دو ماده ۱ قانون نمونه داورى آنسیترال است. با این تفاوت که در قانون نمونه معیارهای دیگری به جز تابعیت طرفین اختلاف ملاک قرار گرفته است که عبارتند از: اقامتگاه طرفین دعوى، محل داورى، محل اجرای قسمت اساسی تعهدات ناشی از روابط تجارى، محلی که موضوع اصلی اختلاف نزدیکترین ارتباط را با آن دارد و توافق طرفین اختلاف.

از سوی دیگر در سوئیس بر خلاف ماده ۱۴۹۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه که داورى را زمانی بین‌المللی محسوب می‌کند که به موضوعات تجارت بین‌الملل مربوط شود (بدون در نظر گرفتن آنکه اقامتگاه یا مرکز فعالیت طرفین اختلاف در کشورهای مختلف باشد) و نیز بر خلاف بند سه ماده (۱) قانون نمونه داورى آنسیترال (که تعریف بسیار پرمناقشه‌ای از اصطلاح داورى بین‌المللی به عمل آورده است) بند یک ماده ۱۷۶ قانون

۱- برای مثال مطابق بند سه ماده یک، قانون نمونه داورى آنسیترال داورى بین‌المللی تعریف شده است. بنابراین آرای صادره بر اساس قانون مزبور، آرای داورى بین‌المللی محسوب می‌شوند. کشورهای از قبیل کانادا، هنگ‌کنگ، سوئیس، استرالیا که قانون نمونه داورى آنسیترال را پذیرفته‌اند و همچنین فرانسه و سوئیس، که در قوانین خود داورى بین‌المللی را تعریف کرده‌اند، مشمول این وضع هستند.

2- Domicile

3- Habitual Residence

4- Place of Business

5- Blessing, M.: "Int'l Arbitration Law in

Switzerland", J.Int. Arb., Vol.5, No.2, 1988, P.19

تبعه کشوری باشد اما محل اقامت و مرکز فعالیت خود را در کشور دیگری قرار داده باشد و حتی سالیان متمادی با کشور متبوع خود ارتباطی نداشته باشد. بدیهی است در این صورت، عامل اقامتگاه از اهمیتی بیش از عامل تابعیت برخوردار خواهد بود.

ثانیاً به ضرورت‌های تجارت بین‌الملل کمتر توجه شده و در نتیجه به ارتباطی که محل داور و محل انجام تعهدات ناشی از قرارداد^(۱) با داور دارد دقت نشده است.

ثالثاً فارغ از روح داور و، که توافق طرفین است، اصولاً به اراده طرفین توجهی نشده است. در مورد اخیر به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان لایحه از تبانی دو ایرانی برای آنکه اختلاف خود را تابع مقررات لایحه داور بین‌المللی قرار دهند بیم داشته‌اند. در حالی که مطابق ماده یک لایحه داور تجاری بین‌المللی^(۲) قلمرو اجرای قانون مزبور، محدود به اختلافات تجاری بین‌المللی است و هر اختلافی را

در بر نمی‌گیرد. برای مثال دعاوی خانوادگی یا دعاوی مالک و مستأجر را نمی‌توان مشمول قانون مزبور دانست. از سوی دیگر مطابق بند دو ماده ۳۶ لایحه داور تجاری بین‌المللی «این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داور ارجاع کرد، تأثیری نخواهد داشت». با توجه به محدودیت مزبور، امکان نقض قوانین داخلی و ارجاع اختلافاتی خاص بر خلاف قوانین ایران به داور متنفذ خواهد بود.

مضافاً آنکه اگر دو ایرانی بپذیرند که

اختلاف خود را به داور ارجاع دهند، در حقیقت از پرونده‌های دادگستری کاسته خواهد شد که این موضوع از اهداف طرح شده در مقدمه لایحه داور تجاری بین‌المللی می‌باشد.^(۳) چنانچه دادگاههای ایران از اجرای رأی داور ضرری جبران ناپذیر و معارض با نظم عمومی ایران مشاهده نمایند، می‌توانند به استناد بند یک ماده ۳۵ لایحه مزبور از اجرای رأی داور ممانعت نمایند. بنابراین پذیرش اراده طرفین هیچگونه ضرری متوجه منافع ایران و اتباع آن نخواهد کرد.

در لایحه داور تجاری بین‌المللی اصولاً به معیار محل مرجع داور اشاره‌ای نشده است. در حالی که لایحه مزبور مطابق هر قانون دیگری در وهله نخست باید ناظر بر آن دسته از داوریهایی باشد که مرجع داور آن در ایران است. از این رو پیشنهاد می‌شود بند جدیدی تحت عنوان بند سه به

۱- معیار مرکز فعالیت یا محل تجارت به عنوان معیار بین‌المللی بودن داور برگرفته از قسمت الف ماده ۲ کنوانسیون مرور زمان در بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۶۴ است که مقرر می‌دارد: «قرارداد بیع کالا در صورتی بین‌المللی تلقی خواهد شد که در زمان انعقاد قرارداد، محل تجارت فروشنده و محل تجارت خریدار در کشورهای مختلفی واقع شده باشد».

۲- بند یک ماده (۱) لایحه داور تجاری بین‌المللی: «داور اختلافات در روابط تجاری بین‌المللی اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره‌ای، سرمایه‌گذاری، همکاریهای فنی، نمایندگی، حق‌العین کاری، بیمه‌انگاری و فعالیتهای مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت».

۳- در مقدمه توجیهی لایحه داور تجاری بین‌المللی آمده است: «با عنایت به موقعیت جمهوری اسلامی ایران در خاور میانه و... نیز تشویق اتباع داخلی به حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق مراجعه به داور و کاهش تراکم کارهای قوه قضاییه، پیشنهاد فوق [لایحه داور تجاری بین‌المللی] جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود».

حقوق

دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داور را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد. دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال، تأمین مناسب بپردازد.

مواد ۳۵ و ۳۶ قانون نمونه داورى انستیرال

ماده ۳۵ - شناسایی و اجرا

۱- رأی داورى، صرفنظر از كشورى كه در قلمرو آن صادر شده، لازم الاجراست و در صورت تقاضای كتبی از دادگاه صلاحیتدار، با رعایت مفاد این ماده و ماده ۳۶ قانون حاضر. به مورد اجرا گزارده خواهد شد.

۲- طرفی كه به رأی استناد می‌كند یا درخواست اجرای آن را می‌كند، باید نسخه اصلی رأی را كه به طور كامل تأیید شده یا كپی تصدیق شده آن را همراه با نسخه اصل موافقتنامه داورى مذکور در ماده ۷ یا نسخه تصدیق شده آن، تسلیم نماید. چنانچه رأی یا موافقتنامه به زبان رسمى این كشور نباشد، لازم است ترجمه كاملاً مصدق آنها به زبان رسمى مذکور را نیز تسلیم كند.

ماده ۳۶ - موارد عدم شناسایی یا اجرا

۱- تقاضای شناسایی یا اجرای رأی داورى را. صرفنظر از كشورى كه در آنجا صادر شده. صرفاً در موارد زیر می‌توان

ماده ۱ لایحه داورى تجارى بین‌المللى به شرح زیر افزوده شود:

«۳- مقررات این قانون نسبت به تمامی داوریهایی كه حائز یکی از شرایط زیر باشند اعمال می‌گردد:

الف) محل مرجع داورى در ایران باشد و احد از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داورى به موجب قوانین ایران تبعه ایران نبوده یا اقامتگاه وی در ایران نباشد،

ب) طرفین كتباً و به صراحت توافق کرده باشند كه اختلاف آنان مطابق مقررات این قانون رسیدگی شود.»

همچنین پیشنهاد می‌شود بند دو ماده ۲ لایحه داورى تجارى بین‌المللى در تعریف داورى بین‌المللى به شرح زیر اصلاح شود: «۲- داورى در صورتى بین‌المللى است كه احد از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داورى به موجب قوانین ایران تبعه ایران نبوده یا اقامتگاه وی در ایران نباشد.»

بخش دوم: اجرای آرای داورى
ماده ۳۵ لایحه داورى تجارى بین‌المللى:

۱- به استشار موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴. آرای داورى كه مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعى و پس از ابلاغ لازم الاجراست و در صورت درخواست كتبی از دادگاه موضوع ماده ۶. ترتیبات اجرای احكام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند.

۲- در صورتى كه یکی از طرفین از

رد کرد:

الف- به درخواست طرفی که علیه او به رأی استناد شده، مشروط بر اینکه طرف مذکور به دادگاه صلاحیتداری که درخواست شناسایی یا اجرا از او به عمل آمده، دلایلی ارائه کند که:

۱- طرف او در موافقتنامه داوری مندرج در ماده ۷، از بعضی جهات فاقد اهلیت لازم بوده است، یا موافقتنامه مذکور، به موجب قوانینی که حسب توافق ایشان، موافقتنامه مشمول آن بوده یا در صورت عدم تعیین قانون حاکم، به موجب قانون کشوری که رأی در قلمرو آن صادر شده، معتبر نباشد، یا

۲- طرفی که علیه او به رأی استناد شده، به نحو صحیح از تعیین داور یا داوران، یا جریان رسیدگی داوری مطلع نشده و یا به هر علت دیگری قادر به ارائه ادعاهای خود نشده باشد.

۳- رأی نسبت به اختلافی که به موجب شرایط رجوع به داوری مورد نظر نبوده یا در چارچوب شرایط مذکور نمی‌گنجد، وارد در رسیدگی شده یا حاوی تصمیم درباره موضوعی باشد که خارج از قلمرو شرط رجوع به داوری است، مشروط بر این که اگر تصمیم به موضوعات ارجاع شده به داوری از موضوعات ارجاع نشده، قابل تفکیک باشد، بتوان آن قسمت از رأی را که حاوی تصمیماتی در مورد موضوعات ارجاع شده به داوری است، شناسایی و اجرا نمود، یا

- ترکیب هیأت داوری یا آیین دادرسی داوری مطابق موافقتنامه فی مابین نباشد، یا در صورت فقدان چنین قانونی، مطابق قانون کشور محل داوری نباشد، یا - رأی داوری هنوز نسبت به طرفین الزام آور نشده باشد، یا توسط دادگاه کشوری که در آنجا صادر شده یا طبق قانونی که به موجب آن صادر گردیده، ابطال یا معلق شده باشد، یا

ب - در صورتی که دادگاه احراز کند که:

۱- موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین این کشور [یعنی کشور مقرر دادگاه] از طریق داوری قابل حل و فصل نیست، یا

۲- شناسایی یا اجرای رأی، برخلاف نظم عمومی این کشور خواهد بود.

۲- اگر از دادگاه مذکور در بند (الف - ۷) این ماده، درخواست موقوف‌الاجرا شدن یا تعلیق رأی داوری شده باشد، دادگاهی که از او تقاضای شناسایی یا اجرای رأی به عمل آمده، در صورتی که مصلحت تشخیص دهد می‌تواند تصمیم خود را به تأخیر اندازد و همچنین می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر نماید که طرف مقابل تأمین مناسب پردازد.

پیش از هر چیز لازم است به ذکر است که اکثریت قضات برای داوری بین‌المللی، احترام قائل هستند. تفسیر مضیق دلایل پژوهشخواهی توسط دادگاههاو نیز رد

بند یک - اجرای آرای داوری خارجی در ایران

با توجه به تفکیکی که بین آرای داوری خارجی و داخلی قائل شدیم لازم به ذکر است که در حال حاضر بنا به اصل حاکمیت کشورها، اصولاً قوانین هر کشور در قلمرو آن قابل اجرا است و احکامی که توسط مراجع قضایی صادر می‌شود فقط در داخل مرزهای کشور متبوع دادگاه صادرکننده حکم قابل اجرا می‌باشد. اما با توجه به گسترش روابط بین‌المللی که تا بدان حد گسترش یافته است که جهان عنوان «دهکده جهانی» یافته است. امکان احقاق حق در یک کشور محدود نمی‌شود و دولتها با انعقاد معاهدات و پیوستن به کنوانسیونها، تلاش می‌نمایند، تا چارچوب حقوقی مطمئنی برای احقاق حق و اجرای آرای صادره در کشورهای دیگر بر اساس روابط متقابل و حسن نیت ایجاد نمایند. اما کماکان اصل بر حاکمیت دولتهاست و استثنای وارد بر آن - که پذیرش آرای صادره توسط دادگاههای کشورهای دیگر

اکثریت درخواستهای ابطال آرای داوری توسط دادگاهها مؤید این نظر است^(۱). در مواردی که دادگاهها از اجرای رأی امتناع می‌کنند غالباً این امتناع به دلایل صحیحی انجام می‌گیرد؛ برای مثال به علت اشتباهات مهمی که از طرف یکی از طرفین یا وکلای آنان در مراحل قبل از داوری یا حین داوری رخ می‌دهد، یا اشتباهاتی که خود داوران مرتکب می‌شوند.^(۲)

آرای داوری را معمولاً طرفین داوری آزادانه اجرا می‌کنند و نیازی به صدور اجراییه نمی‌باشد. برای مثال ۹۴ درصد آرای دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی بدون توسل به صدور اجراییه توسط محکوم علیه اجرا می‌شود. همچنین آرای دیگر مراجع داوری نیز با درصد مشابه بدون نیاز به صدور اجراییه، به اجرا در می‌آید.^(۳) دلایل گوناگونی برای اجرای داوطلبانه آرای داوری وجود دارد که اهم آن عبارت است از تأثیر منفی انتشار رأی، ضمانت اجرای انجمنهای حرفه‌ای برای مثال ممکن است طرف ممتنع از اجرای رأی در لیست سیاه انجمن قرار گیرد یا در موارد بعدی از ارجاع اختلاف به داوری ممانعت گردد یا آنکه اصولاً طرف خاطی از انجمن اخراج گردد.^(۴)

به هر حال تحمل تمامی مشقات داوری به امید بهره‌برداری از نتایج آن می‌باشد که این نتایج در اجرای رأی داوری تجلی می‌یابد.

۱- لاتیو، پی. بر، اجرای احکام داوری بین‌المللی، همان منبع ص ۳۳۲

۲- ماخذ بیمن، ص ۳۱۰

۳- رجوع شود به:

- Sarcevic, Petar: The Taking Aside & Enforcement of Arbitral Awards under the UNCITRAL, Int'l Commercial Law, in Essays on Model Arbitration," P. 191

لاتیو، پی. بر، همان منبع، ص ۳۱۶

رجوع شود به:

- Sarcevic, P. Op.Cit., PP 191, 192

لاتیو، پی. بر، همان ماخذ، صفحات ۳۵۶ تا ۳۵۹

از جمله کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی مبادرت به شناسایی و اجرای آرای داوری می نمایند که هیچیک از این موارد در مورد ایران مصداق نمی یابد.

ثالثاً قیاس آرای داوری با آرای دادگاهها نیز صحیح نمی باشد^(۳) زیرا همان طور که اشاره شد اصل، عدم اعمال حاکمیت خارجی و اجرای آرای محاکم خارجی می باشد. در مورد آرای محاکم خارجی مواد ۱۶۹ به بعد قانون اجرای احکام صراحتاً جواز اجرای احکام خارجی را صادر نموده لکن در مورد آرای داوری چنین مجوزی در دست نیست.

در فرانسه نیز این بحث انجام شده و نظر مؤلفان به تفکیک احکام خارجی و آرای داوری خارجی بوده است.^(۴) لذا در این مورد لازم است یا قوانین اجرای احکام اصلاح گردد و بخشی تحت عنوان اجرای آرای داوری خارجی در آن وارد شود یا آنکه به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک بپیوندیم که البته لازمه آن بررسی کارشناسی کنوانسیون مزبور و مشخص کردن نقاط قوت و ضعف آن می باشد.

۱- ماده ۹۷۲ قانون مدنی: «احکام صادره از محاکم و همچنین اسناد رسمی لازم الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمی توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد».

۲- نصیری، دکتر مرتضی: همان مأخذ، ص ۲۵۱.

۳- برای آشنایی بیشتر با این نظر رجوع شود به.

۴- مدنی دکتر سید جلال الدین: «ابین دادرسی مدنی -

اجرای احکام»، چاپ اول ۱۳۶۹، ص ۴۷.

۵- نصیری، دکتر مرتضی: «اجرای آرای داوری خارجی»، ص ۲۴۵.

۶- اسکینی، دکتر ربیعاً: «مباحثی از حقوق تجارت بین الملل»، چاپ اول ۱۳۷۱، صفحات ۱۸۷ و ۱۸۸.

می باشد- فقط تا حدی اجرا می شود که قانون کشور محل اجرای رأی بدان اجازه داده باشد. بنابراین بر اساس جهات زیر، آرای داوری خارجی در حال حاضر در ایران قابل شناسایی و در نتیجه قابل اجرا نمی باشد:

اولاً در هر کشوری پذیرش قوانین و احکام دادگاههای خارجی استثنا می باشد و اصل، پذیرش و رعایت قوانین و آرای محاکم ملی آن کشور است. از این رو مطابق اصول کلی حقوقی، تفسیر استثنا باید به صورت محدود و مضیق به عمل آید. بنابراین وضعیت آرای دادگاههای خارج را نمی توان به آرای داوری خارجی نیز تسری داد. در هیچیک از قوانین ایران تصریح به اجرای آرای داوری خارجی نشده و از این رو اصلی، که عدم اجرای آرای بیگانه است، حاکم می باشد. به همین دلیل برخی از حقوقدانان گفته اند که رأی داوری خارجی به طور مستقیم در ایران قابل اجرا نمی باشد. بلکه « این محکوم له رأی داوری خارجی باید ابتدا از دادگاه صلاحیتدار محل صدور رأی، دستور اجرا را تحصیل کرده سپس به استناد دستور مزبور، در محکمه ایران و با توجه به ماده ۹۷۲ قانون مدنی^(۱) به منظور اجرای رأی اقامه دعوی نماید.»^(۲) بدین ترتیب رأی داوری خارجی را در ایران قابل اجرا ندانسته اند بلکه رأی دادگاه را قابل اجرا می دانند.

ثانیاً در مورد اجرای آرای داوری، کشورها یا به موجب قوانین خاص یا پیوستن به کنوانسیونهای مربوط به آن و

انسیترال با بند یک ماده ۱ کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داورى خارجى^{۱۱} مصوب ۱۹۵۸ نیویورک بسیار شباهت دارد و حتى تدوین کنندگان قانون نمونه به عمد سعی در گنجاندن مفاد کنوانسیون نیویورک در قانون نمونه داشته‌اند.^{۱۲}

در زمان تدوین قانون نمونه داورى انسیترال بحث بود که آیا نیازی هست که شناسایی و اجرای آرای داورى در قانون نمونه گنجانده شود یا آنکه مطابق مقررات داورى انسیترال ۱۹۷۶. در این مورد سکوت اختیار شود؟ برخی عقیده داشتند که کشورها می‌توانند برای شناسایی و اجرای آرای داورى به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک ملحق شوند. در حالی که در مقابل استدلال می‌شد که درج مقررات شناسایی و اجرای قانون نمونه سبب خواهد شد که تفاوت میان آرای داورى داخلی و خارجى از بین برود و همچنین سبب خواهد شد کشورهایی که به کنوانسیون نیویورک نیوسته‌اند با پذیرش قانون نمونه، مشکل شناسایی و اجرای آرای داورى در مورد آنها

عدم امکان اجرای آرای داورى خارجى از بند یک ماده ۳۵ لایحه داورى تجارى بین‌المللى نیز مستفاد می‌گردد. مطابق بند یک ماده مزبور «به استثنای موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴. آرای داورى که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده ۶ ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند». ملاحظه می‌گردد که در متن مزبور به صراحت قید گردیده که فقط آرای داورى که مطابق مقررات این قانون صادر شود امکان اجرا خواهد یافت و آرای داورى که بر اساس این قانون صادر نشده باشند مشمول لایحه داورى تجارى بین‌المللى نخواهند شد به بیان دیگر آرای داورى بین‌المللى مطابق تعریف مندرج در لایحه داورى تجارى بین‌المللى را می‌توان شناسایی و اجرا نمود.

اما در قانون نمونه داورى انسیترال برای شناسایی و اجرای آرای داورى با مطالب دیگری نیز مواجه می‌شویم.

فصل هشتم قانون نمونه داورى انسیترال مشتمل بر مواد ۳۵ و ۳۶ به شناسایی و اجرای آرای داورى اختصاص دارد. ماده ۳۵ تحت عنوان شناسایی و اجرای آرای داورى است که خارج از قلمرو محل اجرای رأی صادر شده باشد (یا به بیان دیگر ناظر بر آرای داورى خارجى است).

بند یک ماده ۳۵ قانون نمونه داورى

۱۱- بند یک ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک که این کنوانسیون ناظر بر شناسایی و اجرای آن دسته از احکامه داورى است که در اختلاف بین اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی و در قلمرو کشوری غیر از کشوری که در آن تقاضای شناسایی و اجرای حکم شده است صادر گردد. همچنین ناظر است بر احکام داورى که در قلمرو دولت تقاضای اجرا، حکم داخلی تلقی نگردد.

۱۲- رجوع شود به:

- Holtzmann, H.M.: Op.Cit., P.1006
- Broches, A.: Op.Cit., PP. 188-190
- UNCITRAL Yearbook, Vol.XVI, 1985, PP. 459-462

نیز رفع شود^۱.

اما پذیرش مواد ۳۵ و ۳۶ قانون نمونه داورى آنسترال با الحاق کنوانسیون نیویورک تفاوتی اساسی دارد؛ در صورت الحاق به کنوانسیون نیویورک دولتها می توانند به استناد بند سه ماده یک از^۲ به شرط معامله متقابل و تبیین روابط تجاری براساس قوانین داخلی خود تومل بنویسند در حالی که پذیرش مواد ۳۵ و ۳۶ قانون نمونه داورى آنسترال فاقد ویژگی مزبور می باشد.

تدوین کنندگان قانون نمونه به اختلاف مزبور آگاه بودند چرا که در نظر خواهی نسبت به مفاد قانون نمونه، تعدادی از کشورهای بی جنبه معامله متقابل در امر شناسایی و اجرای آرای داورى اصرار ورزیده بودند^۳ با وجود این تدوین کنندگان قانون نمونه عقیده داشتند که درج شرط معامله متقابل به منزله تسوین کشورها به پذیرش آن است. مضافاً آنکه کشورهایى که تمایل به شرط معامله متقابل دارند می توانند در مقررات داخلی خود آن را درج نمایند^۴.

به نظر می رسد با توجه به آنکه لایحه داورى تجارى بین المللى به داورى بین المللى اختصاص دارد که در ایران انجام می گیرد و لذا آرای مزبور علی رغم ویژگی بین المللى بودن، رأی خارجى محسوب نمی شوند لذا ضرورتی به پیش بینی چگونگی اجرای آرای داورى خارجى در آن نیست. بدیهی است برای اجرای آرای داورى خارجى به منظور استفاده از مزایای

کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک، ایران می تواند به کنوانسیون مزبور بپیوندد.

بند دو- چگونگی اجرای آرای داورى بین المللى

در ماده ۳۵ لایحه داورى تجارى بین المللى، شرایط اجرای رأی داورى بدین ترتیب عنوان شده است:

اول) اگر رأی داورى صادر شده، مخالف مواد ۳۳ و ۳۴ لایحه داورى نباشد، قطعی و قابل اجراست؛

دوم) برای ارجاع رأی داورى، لازم است رأی داور ابتداً ابلاغ شود؛

سوم) درخواست اجرای رأی داورى، از دادگاه موضوع ماده ۶ لایحه داورى تجارى به عمل آید؛

چهارم) بر اساس مقررات اجرای احکام دادگاهها، رأی داورى به اجرا گذاشته می شود.

حال به بررسی هر یک از موارد مزبور می پردازیم:

اول) عدم تعارض رأی داورى با مواد ۳۳ و ۳۴ لایحه داورى: مواد مزبور به ترتیب به ذکر موارد درخواست ابطال رأی و موارد بطلان رأی اختصاص دارد. بدیهی است

1- Holtzmann, H.M.: Op.Cit., P.1007

۲- بند سه ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک: در هنگام امضاء یا تصویب با الحاق به کنوانسیون حاضر و یا در هنگام تعیین قلمرو نفوذ این کنوانسیون طبق ماده دهم، هر دولتی می تواند بر مبنای معامله متقابل اعلام نماید که منحصر احکامی را شناسایی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دول متعاقد صادر شود. همچنین می تواند اعلام دارد که کنوانسیون را منحصرأ در مورد اختلافات ناشی از آن گونه روابط حقوقی اعم از قراردادى یا غیر قراردادى - که حسب قوانین داخلی آن دولت تجارى تلقی شود اعمال خواهد کرد.

3- Holtzmann, H.M.: Op.Cit., P.1008

4- Ibid., P.1009

قوانین یک کشور صادر نشده است ممکن است در آن کشور تبعات ناساگوارى به بار آورد. از جمله آنکه ممکن است رأی مزبور با نظم عمومي کشور مزبور منافات داشته باشد مضافاً آنکه ممکن است داور، از قوانین داخلی کشور مفروض به درستی آگاه نباشد که این موضوع، احتمال تعارض میان رأی داور و نظام حقوقی کشور که رأی باید در آنجا اجرا شود را افزایش می دهد.

بدین منظور دادگاههای دو کشوری می بایست بررسی نمایند که آیا اجرای رأی داورى با موازین حقوقی آن کشور تعارضی دارد یا نه. این نظر پذیرفته شده است و لذا نیازی به بحث بیشتر در این باره مشاهده نمی گردد.

چهارم) رعایت مقررات اجرای احکام دادگاهها: در بند یک ماده ۳۵ لایحه داورى تجاری بین المللی، اشاره ای نشده است که منظور از اجرای احکام دادگاهها، احکام دادگاههای داخلی یا خارجی چنانچه در نظر باشد که اجرای احکام، مانند آرای دادگاههای خارجی اجرای شود رعایت ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی^(۴) نیز لازم

در صورتی که رأی باطل باشد، نمی توان آن را اجرا کرد. با توجه به پیشنهادهایی که درباره اصلاح مواد مزبور ارائه گردید^(۱) و در صورت رعایت آنها، رأی داور برای اجرا با مشکلی مواجه نخواهد شد. از این رو از تکرار بحث خودداری می شود.

دوم) لزوم ابلاغ رأی داور: بنابر قاعده ای کلی، آرا را زمانی می توان اجرا نمود که به محکوم علیه پرونده ابلاغ شده باشد.^(۲) علت این امر آن است که اگر محکوم علیه به رأی اعتراض داشته باشد بتواند با اعتراض به رأی، از اجرای آن جلوگیری کند. البته در حقوق داخلی و در موارد استثنایی اجازه داده شده است که بدون نیاز به ابلاغ رأی، رأی اجرا شود.^(۳)

ممکن است ایراد شود که با توجه به اطلاق تبصره یک ماده ۳۵ لایحه داورى تجاری بین المللی، آیا رأی داورى باید به هر دو طرف اختلاف - اعم از محکوم له و محکوم علیه - ابلاغ شود یا صرف ابلاغ رأی به محکوم علیه کفایت می کند؟ بدیهی است ذی نفع از رأی می تواند تقاضای اجرای آن را بنماید که این شخص، همان محکوم له می باشد. در صورتی که وی از مفاد رأی آگاه نباشد، درخواست نخواهد کرد که رأی اجرا شود. از این رو به لحاظ عملی، درخواست اجرای حکم به منزله آن است که محکوم له از مفاد آن آگاه است.

سوم) درخواست اجرای رأی از دادگاه: اجرای آرایى که به طور کامل، بر اساس

۱- به بند یک و دو بخش یک فصل حاضر رجوع شود.
۲- مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶: «احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می شود به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده یا قائم مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.
۳- مطابق ماده ۷۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی دربارۀ اجرای دستور موقت: «دستور موقت پس از ابلاغ قانون قابل اجراء است و نظریه فوریت که دادگاه می تواند مقرر دارد که قبل از ابلاغ دستور موقت اجرا شود».
۴- ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی: «در صورتی که محکوم له از مفاد رأی آگاه نباشد، درخواست اجرای رأی از دادگاه می تواند مقرر کند».

خواهد بود. در صورتی که بند یک ماده ۱۶۹ مجری نخواهد بود، زیرا حکم داورى ممکن است در کشور دیگر صادر شده باشد، اما مشمول لایحه داورى تجارى بین المللى باشد. از این رو نیازی نیست که کشور محل صدور رأی، اجرای آرای داورى ایران را پذیرفته باشد. همچنین نیازی نیست در صورتی که رأی در ایران یا خارج از کشور، مطابق لایحه داورى تجارى بین المللى، صادر شده باشد دستور اجرای حکم را از مقامات صلاحیتدار آن کشور درخواست نماید (مفاد بند ۸ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنى).

آرای داورى داخلى برخوردار هستند، اجرای آرای داورى بین المللى، که منطبق با لایحه داورى تجارى بین المللى صادر گردیده است، مطابق آرای محاکم خارجى غیرمنطقى مى باشد و لازم است آرای بین المللى مزبور، مطابق مقررات اجرای آرای داورى داخلى، اجرا شود.

از این رو پیشنهاد مى شود در بند یک ماده ۳۵ لایحه داورى تجارى بین المللى، عبارت «اجرای احکام دادگاهها» به عبارت «اجرای آرای داورى داخلى» اصلاح شود.

چنانچه مفاد ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنى، عیناً درباره آرای داورى بین المللى مرعى باشد سبب سهولت اجرای آرای داورى نخواهد شد و بدین ترتیب، استقبال از داورى کاهش خواهد یافت.

صادر از دادگاههای خارجى در صورتی که واحد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراست مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

یک - حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود با عهد یا قرار داده، احکام صادر از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام، معامله متقابل نماید.

دو - مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد.

سه - اجرای حکم مخالف با عهد بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

چهار - حکم در کشوری که صادر شده قرضی و لازم الاجرا بوده و به نفع قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

پنج - از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاههای خارجى صادر نشده باشد.

شش - رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران، اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد.

هفت - حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

هشت - دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادر کننده حکم صادر شده باشد.

۱- مطابق ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک: «دولتهای متعاقد آرای داورى را الزام آور مى دانند و آن را مطابق آیین دادرسی محلی که رأی داورى در قلمرو آن مورد استناد قرار گرفته است، با رعایت شرایط مندرج در مواد آتی این کنوانسیون اجرا خواهند کرد. به هنگام شناسایی و اجرای آرای داورى موضوع این کنوانسیون، هیچ گونه شرایطی که اساساً شدیدتر باشد یا حق الزحمه یا هزینه ای بیشتر از آنچه که در شناسایی و اجرای آرای داورى داخلى معمول است، تحمیل نخواهد شد».

از سوی دیگر، آرای داورى بین المللى بر اساس لایحه داورى تجارى بین المللى، که از جمله قوانین ایران مى باشد، صادر گردیده است. بنابراین نیازی نمی باشد که آرای داورى بین المللى، مانند آرای محاکم خارجى محسوب شوند.

مضافاً آنکه حتى درباره آرای داورى خارجى، مطابق ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک^(۱) مقرر گردید که به هنگام شناسایی و اجرای آرای داورى خارجى، هیچ گونه شرایطی که اساساً شدیدتر از اجرای آرای داورى داخلى آن کشور باشد، نباید معمول گردد. بنابراین در حالی که آرای داورى خارجى تا بدین حد از مزایای

بند دو ماده ۲۵ قانون نمونه داورى انستىرال به مدارک لازم برای درخواست اجرائى رأى داورى یک اختصاص دارد. مطابق ماده مزبور: «طرفى که به رأى استناد مى کند یا درخواست اجرائى آن را مى کند باید نسخه اصل رأى را که به طور کامل تأیید شده یا کپی تصدیق شده آن را همراه با نسخه اصل موافقتنامه داورى مذکور در ماده ۷ یا نسخه تصدیق شده آن تسلیم نماید. چنانچه رأى یا موافقتنامه به زبان رسمى این کشور نباشد باید ترجمه کاملاً مصدق آنها به زبان رسمى مذکور را نیز تسلیم نماید». مفاد بند مذکور مقتبس از ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک است.^(۱)

از آنجا که دادگاه برای صدور دستور اجرائى داورى، نیازمند بررسی رأى داورى و توافقنامه داورى است، لذا لازم است، به تقدیم مدارک فوق به دادگاه تصریح شود.

همچنین چون زبان داورى توسط طرفین اختلاف تعیین مى گردد ممکن است زبان داورى فارسى نباشد و در نتیجه رأى داورى یا حتى توافقنامه داورى به زبان دیگری غیر از فارسى باشد لذا لازم است پیش بینی گردد که اگر مدارک مزبور به غیر از زبان فارسى باشد ترجمه رسمى از آنها به ضمیمه درخواست کتبى اجرائى رأى به دادگاه تقدیم گردد. از این ره پیشنهاد مى گردد که مضائب زیر به عنوان بند دو ذیل ماده ۳۵ لایحه داورى تجارى بین المللى افزوده گردد و بند دو فعلى ماده ۳۵ به بند

سه تغییر یابد:

«۲- طرفى که به استناد بند یک این ماده درخواست اجرائى رأى را مى کند باید نسخه اصل رأى را که تأیید شده یا کپی تصدیق شده آن را همراه با نسخه اصل موافقتنامه داورى مذکور در ماده ۷ یا نسخه تصدیق شده آن را به دادگاه موضوع ماده ۴ تسلیم نماید».

جمع بندی:

اکنون پس از پایان بررسی لایحه داورى تجارى بین المللى، مجدداً به فرضیه هاى که در ابتدای این نوشتار مطرح شد باز مى گردیم:

فرضیه اولی که مطرح شد آن بود که قانون نمونه داورى انستىرال الگویی مناسب بسراى وضع مقررات داورى تجارى بین المللى در ایران است. با بررسی قانون نمونه داورى انستىرال و مقایسه آن با لایحه داورى تجارى بین المللى، و بنا به مورد، برخلافى مقررات دیگر مربوط به داورى

۱- ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک:

«یک - برای تحصیل شناسایی و اجرائى حکم داورى مذکور در ماده ۱، متقاضى شناسایی و اجرائى حکم باید دوره تسلیم، خدمات غیره، مدارک ذیل را نیز ارائه نماید: الف- نسخه اصل مصدق حکم یا رونوشت گواهی شده آن یا اصل موافقتنامه داورى مذکور در ماده دوم و رونوشت گواهی شده آن»

دو - هرگاه حکم یا موافقتنامه مذکور به زبان رسمى کشورى که در قلمرو آن به حکم داورى استناد شده است، موجود نباشد، طرفى که شناسایی و اجرائى حکم را تقاضا نمود، مکلف به ارائه ترجمه این اسناد به آن زبان است. محتواى ترجمه باید توسط مرجع رسمى یا قسم حورده و یا ماهور سندى یا گسولنى گواهی گردد»

بین‌المللی، مشخص گردید که قانون مزبور ماحصل زحمات گروه کارشناس بسیار کارآمدی می‌باشد که از جنبه‌های مختلف مقررات داورى تجارى را مورد مذاقسه قرار داده‌اند. توجه به مذاکرات آنستیرال درباره قانون نمونه داورى، مؤید این مطلب است. از این رو قانون نمونه داورى آنستیرال مى‌تواند الگوى مناسبى برای تدوین مقررات داورى تجارى بین‌المللى ایران قرار گیرد.

مطابق فرضیه دوم این پژوهش، قانون نمونه داورى آنستیرال به صورت فعلى در ایران قابل اجرا نمى‌باشد. با توجه به اقتباس لایحه داورى تجارى بین‌المللى از قانون نمونه داورى آنستیرال، حکم اخیر درباره لایحه داورى نیز صدق مى‌کند. با بررسی لایحه داورى و طرح ایرادها و ارائه پیشنهادها به این نتیجه رسیدیم که لایحه داورى به صورت حاضر، مشکلاتى را دربردارد و لازم است اصلاحاتى در آن اعمال گردد. در پایان این نوشتار اصلاحات پیشنهادى نسبت به متن لایحه داورى تجارى بین‌المللى درج گردیده است.

بدیهى است قانون مناسب برای داورى تجارى بین‌المللى یکی از شروط لازم برای سامان گرفتن داورى است، اما شرط کافى نیست. به کارگیرى از داوران متخصص، فهیم و منصف مى‌تواند منجر به صدور آرای مستدل و متقن گردد که این امر در استقبال از قانون داورى تجارى بین‌المللى در ایران مؤثر خواهد بود. ناگفته نماند که نقش دادگاهها نیز در قبال آرای داورى بسیار

حائز اهمیت است. دادگاهها نیز به عنوان مرجع تجدید نظر نسبت به آرای داورى موقت و مرجع صدور دستور اجرای رأی داورى از نقش کلیدی برخوردار هستند. اگر دادگاهها فارغ از جو حاکم بر داورى تجارى بین‌المللى و بدون اطلاع از دقائق آن، نسبت به آرای داورى تصمیمی بگیرند، یقیناً تصمیماتی غیر منصفانه اتخاذ خواهند کرد. در این صورت قوانین مربوط به داورى تجارى بین‌المللى کوچکترین فایده عملى در برنخواهد داشت.

همچنین یکی از نکات بسیار حائز اهمیت تسریع در تأسیس مرکز داورى در ایران است. همان طور که در ابتدای این سلسله نوشتار گفته شد دولت جمهوری اسلامى ایران، مجوز تأسیس مرکز داورى منطقه‌ای را از کمیته مشورتى حقوقى آسیایی - آفریقایی وابسته به سازمان ملل در سال ۱۳۶۶ اخذ کرده است. لازم است هرچه سریعتر در این مورد اقدام شود. با توجه به آنکه مذاکرات مربوط به مجوز تأسیس مزبور توسط وزارت امور خارجه انجام گرفته است، وزارت امور خارجه با طرح آن در هیأت دولت مى‌تواند ابتکار شروع اقدامات درباره تأسیس مرکز داورى را بر عهده گیرد.

پیش از تصویب لایحه داورى تجارى بین‌المللى و تأسیس مرکز داورى، لازم است قانون داورى تجارى بین‌المللى برای عموم و به خصوص تجارى که دست اندرکار تجارت بین‌المللى هستند، معرفی گردد. چرا که در نهایت استفاده کنندگان نهایی از

حقوق

در ماده ۲- بند ۲ به شرح ذیل اصلاح و بندهای ۷ و ۸ اضافه شود:

۲- داورى در صورتى «بين‌المللى» است كه احد از طرفين در زمان انعقاد توافقنامه داورى به موجب قوانين ايران تبعه ايران نبوده يا اقامتگاه وى در ايران نباشد.

۷- «عدل و انصاف» به معنای یکی از منابع داورى تجارى بين‌المللى است كه برحسب آن، داور با توجه به روح قوانين و مقررات نظر مى‌دهد.

۸- «كدخدامنشانه» به معنای یکی از منابع داورى تجارى بين‌المللى است كه برحسب آن، داور به منظور فيصله اختلاف و بر اساس رعايت منافع هر دو طرف اختلاف، مبادرت به صدور رأى مى‌کند.

در ماده ۶- ماده ۶ به شرح ذیل اصلاح شود:

۱- انجام وظايف مندرج در ماده (۹)،

بندهای (۲) و (۳) و (۶) ماده (۱۱)، بند (۳)

ماده (۱۳)، بند (۱) ماده (۱۴)، بند (۳) ماده

(۱۶)، ماده (۳۳) و ماده (۳۵) به عهده رئيس

شعبه اول دادگاه عمومي، واقع در مركز

استانى كه مقر داورى در آن قرار دارد و تا

زمانى كه مقر داورى مشخص نشده، به

عهده رئيس شعبه اول دادگاه عمومي مركز

استان تهران است. تصميمات رئيس دادگاه

در اين موارد قطعى و غيرقابل اعتراض

است.

۲- هسيچ دادگاهى نمى‌تواند در

موضوعات مشمول اين قانون دخالت كند،

مقررات داورى، همين افراد هستند. با معرفى و ترويج مقررات داورى مى‌توان از به كارگيرى مقررات مزبور اميدوار بود، در غير اين صورت و بدون استقبال تجار و با توجه به خصيصه اختيارى بودن مقررات داورى نمى‌توان به آينده و رونق داورى اميدوار بود.

بحث چندی در خصوص اصل ۱۳۹ قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران، حل و فصل اختلافات بين مراجع دولتى، چگونگى شناسايى و اجراى آراى داورى ايران در خارج از کشور و همچنين شناسايى و اجراى آراى داورى خارجى در قلمرو ايران از جمله بحثهاى پايه‌ای است، كه اميد است در آينده به آن پرداخته شود.

با توجه به مطالب گفته شده اصطلاحات پيشهادى لايحه داورى تجارى بين‌المللى به شرح ذیل ارائه مى‌گردد:

در ماده ۱- مطالب ذیل تحت عنوان بند ۳ به ماده ۱ اضافه شود:

۳- مقررات اين قانون نسبت به تمامى داورىهاى كه حائز يکى از شرايط زير باشند اعمال مى‌گردد:

الف) محل مرجع داورى در ايران باشد و احد از طرفين در زمان انعقاد توافقنامه داورى به موجب قوانين ايران، تبعه ايران نبوده يا اقامتگاه وى در ايران نباشد.

ب) طرفين كتباً و به صراحت توافق کرده باشند كه اختلاف آنان مطابق مقررات اين قانون رسيدگى شود.

مگر در موردی که به موجب این قانون پیش‌بینی شده است.

۳- در داوری سازمانی انجام وظایف مندرج در بند یک این ماده به استثنای وظایف مندرج در مواد (۹) و (۳۵) به عهده سازمان داوری مربوط است. تصمیمات سازمان داوری در این موارد قطعی و غیرقابل اعتراض است.

در ماده ۷- ماده ۷ به شرح ذیل اصلاح شود:

توافقنامه داوری باید به صورت کتبی باشد. توافقنامه در صورتی کتبی است که طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله نامه، تلکس، تلگراف، یا نظایر آنها بر وجود توافقنامه مزبور دلالت نماید. یا یکی از طرفین طی مبادله دادخواست یا دفاعیه، وجود آنرا ادعا کند و طرف دیگر آنرا تکذیب ننماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله توافقنامه مستقل داوری خواهد بود.

در ماده ۱۱- بندهای ۱، ۲، ۴ و ۵ ماده ۱۱ به شرح ذیل اصلاح شود:

۱- طرفهای اختلاف می‌توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. ۲- در صورت نبودن چنین توافقی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد:

الف- برای تعیین هیأت داوری، هر طرف، داور یا داوران خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یکی از طرفین ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ شروع داوری، داور خود را تعیین ننماید یا قبولی وی را تحصیل نکند یا

اگر داوران منتخب، نتوانند ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتخاب آخرین داور در مورد سرداور، توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین، حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده (۶) صورت خواهد گرفت.

ب- در داوری یک نفره، اگر طرفین نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند، داور بنا به تقاضای هریک از طرفین توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

۳- مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در توافقنامه برای تعیین داور مقرر داشته‌اند، رعایت نموده و استقلال و بی‌طرفی داور را ملحوظ نماید. مقام ناصب در صورت عدم توافق طرفین نسبت به تعیین تابعیت سرداور یا داور ممتنع، سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید و داور طرف ممتنع، از بین اتباع کشور طرف دیگر منصوب نخواهد شد. علاوه بر این، اقامتگاه داوران و سایر روابط ایشان را با کشورهای دیگری که طرفین اختلاف یا سایر داوران تبعه آن هستند، در صورتی که بر روی استقلال داور مؤثر باشد، باید مورد توجه قرار گیرد.

۴- هرگاه در توافقنامه داوری طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند به عنوان داور رسیدگی کنند، توافقنامه داوری ملغی‌الآثر خواهد بود مگر آنکه طرفین به داوری شخص یا اشخاص

محتویات

یا به وجود و یا اعتبار توافقنامه داوری (جز در صورتی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند) «داور» باید به عنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوا، نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند. اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رأی ماهوی به عمل آید. چنانچه «داور» به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد هر یک از طرفین می تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. این تصمیم قابل اعتراض نیست. ماده که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است «داور» می تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.

در ماده ۲۱ - ماده ۲۱ به شرح ذیل اصلاح شود:
۱- طرفین می توانند در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی داوری توافق نمایند. در غیر این صورت، داور زبان یا زبانهای مورد استفاده در داوری را تعیین می کند. توافق طرفین یا تصمیم داور در این مورد شامل هر گونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات جلسات رسیدگی، مراسلات داور و صدور رأی خواهد بود.

۲- داور می تواند مقرر نماید که ادله کتبی یا ترجمه آنها به زبان یا زبانهایی که مورد توافق طرفین قرار گرفته یا داور تعیین

دیگری تراضی کنند یا به نحوی دیگر توافق کرده باشند.

در ماده ۱۲ - در بند ۲ عبارت «مورد پیشنهاد قرار می گیرد» به «پیشنهاد می شود» تغییر یابد.
در ماده ۱۴ - بندیک به شرح ذیل اصلاح شود:

۱- اگر داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تأخیر موجه نشود، در صورتی که داور خود از سمت داوری کناره گیری کند یا اگر طرفین اختلاف بر خاتمه سمت داوری وی توافق نمایند، مسؤلیت وی خاتمه می یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین، اختلاف باشد هر یک از آنها می تواند از مراجع مذکور در ماده (۶) درخواست کند که در مورد ختم مأموریت داور مزبور، اتخاذ تصمیم نماید. این تصمیم قابل اعتراض نیست.

در ماده ۱۶ - بند یک و سه ماده ۱۶ به شرح ذیل اصلاح شود:

۱- «داور» می تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار توافقنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. شرط داوری که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان توافقنامه ای مستقل تلقی می شود، تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی الاثر بودن قرارداد فی نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود.

۲- در صورت ایراد به اصل صلاحیت و

کرده است. همواره باشد.

در ماده ۲۳ - بند ۳ به شرح ذیل اصلاح شود:

۳- کلیه لوایح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به داور تسلیم شده باید به طرف دیگر ابلاغ گردد. همچنین گزارش کارشناس یا ارزیابی یا مدارکی که ممکن است، داور هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید به طرفین ابلاغ شود.

در ماده ۲۷ - در بند ۲ عبارت «قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد» به «قواعد حل تعارض، خود مناسب تشخیص دهد.» تغییر یابد.

در ماده ۳۲ - ماده ۳۲ به شرح ذیل اصلاح شود:

۱- چنانچه مهلت دیگری میان طرفین توافق نشده باشد، ظرف سی (۳۰) روز پس از ابلاغ رأی:

الف- داور می تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا رأساً هر گونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح کند. نسخه ای از تقاضای مزبور باید برای طرف دیگر ارسال شود.

ب- چنانچه میان طرفین توافق شده باشد، هر یک از ایشان می تواند از داور درخواست کند که نکته مشخصی یا قسمتی از رأی را تفسیر کند. نسخه ای از تقاضای مزبور باید برای طرف دیگر ارسال شود. اگر داور چنین تقاضاهایی را موجد تشخیص دهد اصلاح یا تفسیر لازم را ظرف سی (۳۰) روز از وصول درخواست به عمل خواهد آورد. تفسیر رأی و رأی اصلاحی، جزئی از رأی محسوب می شوند.

۲- هر یک از طرفین می تواند ضمن

ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی از داور تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی صادر کند. مگر اینکه میان طرفین به نحو دیگری توافق شده باشد چنانچه داور این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت (۶۰) روز نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می کند.

۳- داور می تواند در صورت لزوم مهلتی را که ظرف آن باید مطابق بند ۱ یا ۲ این ماده رأی را تفسیر کند یا رأی تکمیلی صادر نماید، تمدید کند.

۴- مقررات ماده ۳۰ در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی لازم الرعایه است.
در ماده ۳۳ - ماده ۳۴ حذف و ماده ۳۳ به شرح ذیل اصلاح شود:

۱- رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط مرجع موضوع ماده ۶ قابل ابطال است:

الف- یکی از طرفین فاقد اهلیت انجام معامله و ارجاع اختلاف به داوری باشد.

ب- توافقنامه داوری به موجب قانونی که طرفین بر آن توافقنامه حاکم دانسته اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.

ج- مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه های تعیین داور یا درخواست داوری رعایت نشده باشد.

د- درخواست کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

حقوق

مدتی که خود تعیین می‌کند به حال تعلیق درآورد.

در ماده ۳۴ - ماده ۳۵ به ماده ۳۴ تغییر یابد و به شرح ذیل اصلاح شود:

۱- به استثنای موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴ آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده ۶ ترتیبات اجرای آرای داوری داخلی به مورد اجرا گذاشته می‌شوند.

۲- ظرفی که به استناد بند یک این ماده درخواست اجرای رأی را می‌کند باید نسخه اصل رأی را که تأیید شده یا کپی تصدیق شده آن را همراه با نسخه اصل توافقنامه داوری مذکور در ماده ۷ یا نسخه تصدیق شده آن را به دادگاه موضوع ماده ۶ تسلیم نماید.

۳- در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد.

ه- «داور» خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات «داور» بوده، قابل ابطال است.

و- ترکیب یا آیین دادرسی هیأت داوری مطابق توافقنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود توافقنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.

ز- رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده ۶ پذیرفته است.

ح- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.

ط- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی کشور باشد.

۲- درخواست ابطال رأی موضوع بند ۱ فوق ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی اصلاحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، باید به مرجع موضوع ماده ۶ تقدیم شود، والا مسموع نخواهد بود.

۳- دادگاه می‌تواند در مواردی که از او تقاضای ابطال رأی داوری شده در صورت اقتضا و درخواست یکی از طرفین به منظور ایجاد فرصت برای هیأت داوری جهت از سرگیری رسیدگی یا سایر اقدامهای مشابه که به نظر هیأت داوری دلایل ابطال را منتفی می‌سازد، رسیدگی به تقاضای مذکور را برای